

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

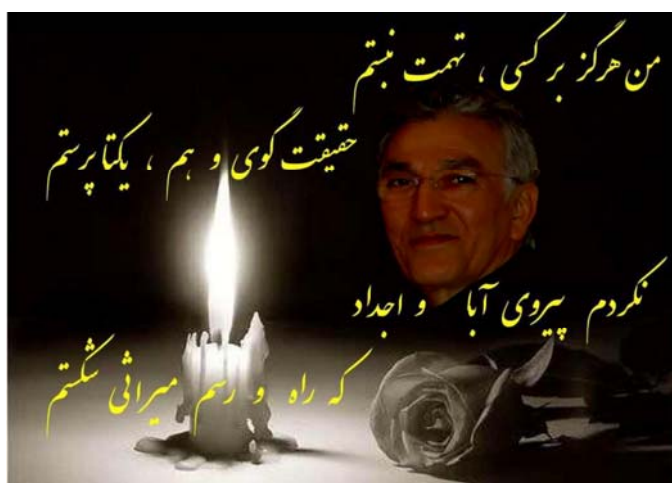
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۲ دسمبر ۲۰۲۰



[کهنه شراب]

ز پیام من بیچاره چرا؟ قهر شدی
کار دل بود که منظوم رقم گشت ترا
به دیار دگری بودم و دل نزد تو بود
ز کمند من اگر راضی نباشی، برگو
پس ازین نام تو، هرگز نه بگیرم به زبان
زانکه بی موجب ازین نمله گریزا گشته
دامن صبر مرا سخت دریدی به خدا
«نعمتا» کهنه شراب و خم و دیوانه و تو
پاسخ شه مرا، سرد و پُر از زهر شدی
ورنه هرگز نه چنین بحث و چنان جهر شدی...
زان سبب ورد زبانم به همه شهر شدی
همه را پاک، که آرام درین دهر شدی
که خودت، باعث و هم علت و از بهر شدی
با حریفان به چت و رابطه در *ظهر شدی
خار در چشم من و بر رُقا *زهر شدی
بحر و دریا و گهی چشمه و گه نهر شدی

* (ظهر: پشت، مقابل رو)

* (زهر: شکوفه)



پایخ شد مرا ، سرد و پر از زهر شدی

ورنه هرگز نه چنین بحث و چنان بهر شدی

زان سبب ورد زبانم به همه شهر شدی

همه را پاک ، که آرام دین دهر شدی

که خود ، باعث و هم علت و از بهر شدی

با حریفان به چت و رابط دهر شدی

خار در چشم من و ، بر رقبای زهر شدی

بحر و دیا و کهی چشمه و که نهر شدی

ز پیام من - پچاره ، چرا ؟ قهر شدی

کار دل بود که منطوم ، رقم گشت ترا

به دیار دگری بودم و ، دل نزد تو بود

ز کنت من اگر راضی نباشی ، بر کو

پس ازین نام تو ، هرگز نه بگیرم به زبان

زانکه بی موجب ازین غله گزرا گشته

دامن صبر مرا راست دریدی به خدا

« نعمتا » کهنه شراب و خم و دیوانه و تو